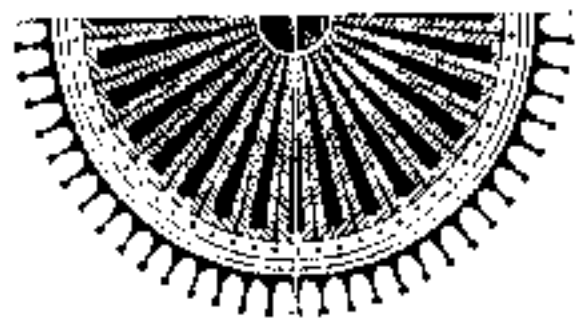


## انفعیت شیر مادر جهت طفل

فی الوسائل - قال رسول الله ص ایس لصبی خیر من ابن امه  
 ترجمہ رسول اکرم ص میفرماید نیست برائے طفل چیزے بہتر از شیر مادرش  
 فی الوسائل - قال رسول الله ص جعل الله رزقہ فی ثدی امہ فی احدہما  
 شرابہ و فی الآخر طعامہ ترجمہ رسول اکرم ص میفرماید قرار داد خداوند  
 رزق طفل را در دو پستان مادر یکی از آنها آب اوست دیگرے طعام  
 فی الوسائل - قال امیر المؤمنین ؑ ما من لبن رضع به الصبی اعظم برکة  
 علیہ من لبن امہ ترجمہ علی ؑ میفرماید نیست شیرے برائے طفل عظیم تر  
 از جهت برکت از شیر مادرش فی الوسائل - کان علی ؑ یتول انہموا  
 نسائکم ان یرضعن یمیناً و شمالاً فانہن ینسین ترجمہ علی ؑ میفرماید اعلام  
 کنید زن ہا را شیر بدہند از پستان راست و چپ چون فراموش میکنند  
 فی الوسائل - قالت ام اسحق نظر الی ابو عبد الله ؑ وانا ارضع احد ابنی  
 محمد و اسحق فقال یا ام اسحق لا ترضعیہ من ثدی واحد و ارضعیہ من  
 کلہما یکون احدہما طعاماً و الآخر شراباً ترجمہ مادر اسحق میگوید نظر  
 کرد بمن جعفر ابن محمد الصادق ؑ درحالتیکہ شیر میدادم فرزند مرا فرمود  
 شیر بدہ فرزندت را از دو پستان یکی از آنها طعام است دیگرے آب



## اسلام به خوش صورتی اطفال و اخلاق او اهتمام داده

فی الوسائل - قال رسول الله ص لانترضعوا الحمقاء ولاالعمشاء فان اللبن يعدی ترجمه رسول اکرم ص میفرماید استرضاع نکنید زن کم عقل را و نه زنی که ضعیف است چشمش و سیلان میکند غالباً آب از چشم او چون شیر تعدی میکند در طفل فی الوسائل - قال رسول الله ص لانترضعوا الحمقاء فان اللبن یشب علیه ترجمه رسول اکرم ص میفرماید استرضاع نکنید زنهای کم عقل را شیر نمو میکند در طفل فی الوسائل - ان علیاً کان یقول تخیروا للرضاع کما تخیروا للنکاح فان الرضاع یغیر الطباع ترجمه علی ؑ میفرماید اختیار کنید برای رضاع از زنهای خوش اخلاق و خوش صورت همانطور که اختیار میکنید زنهای جمیله و خوش اخلاق را برای نکاح چون شیر تغییر میدهد طبیعت طفل را فی الوسائل - قال ابو جعفر ؑ استرضع لوالدک بلبن الحسان و ایاک و القباح فان اللبن قد يعدی ترجمه محمد بن علی الباقر ؑ میفرماید استرضاع کن برای ولدت به شیر زنهای خوش صورت به پرهیز از زنهای قبیح المنظره چون شیر تعدی میکند در طفل فی الوسائل - عن ابی جعفر ؑ قال علیکم بالوضاء من الظنورة فان اللبن يعدی ترجمه حضرت باقر ؑ میفرماید بر شما است باسترضاع زنهای پاکیزه چون شیر تعدی میکند در طبیعت طفل فی الوسائل - عن ابی جعفر ؑ قال لانترضعوا الحمقاء فان اللبن يعدی وان الغلام ینزع الی اللبن یعنی الی الظئر فی الرعانة والحق ترجمه معصوم ؑ میفرماید استرضاع نکنید زن کم عقل را شیر سرایت میکند در طفل و شبیه میشود بشیر ظهور میکند حمق دایه در طفل

## سلوك با اطفال

فی الوسائل - قال النبی ص من كان عنده صبی فلیتصاب له ترجمه بی  
 اکرم ص میفرماید کسیکه دارای اولاد شد **كودك** بشود از برای او  
 فی الوسائل - قال رسول الله ص من قبل ولده كتب الله له حسنة ترجمه رسول  
 اکرم ص میفرماید کسیکه بوسه کند فرزندش را می نویسد خدا از برای او حسنه  
 فی الوسائل - كان رسول الله ص يقبل الحسن و الحسين فقال الا قرع ابن  
 حارس ان لی عشرة من الولد ما قبلت احداً منهم فقال رسول الله ص عن لایرحم  
 لایرحم ترجمه رسول اکرم ص بوسه میزد حسن و حسین را افرع عرض  
 کرد از برای من است ده اولاد تا کنون بوسه نکردم احدی از آنها را  
 فرمود کسیکه بی رحم است مرحوم نمیشود فی الوسائل - قال امیر المؤمنین  
 من كان له ولد صبا ترجمه عالی ؛ میفرماید کسیکه دارای اولاد شد **كودك**  
 بشود از برای او فی الوسائل - عن ابی عبد الله ؛ قال ان الله لیرحم العبد  
 لشدة حبه لو لده ترجمه صادق آل محمد ؛ میفرماید خدا رحم میکند بنده را  
 بواسطه شدت محبتش بفرزند فی البحار - عن ابی عبد الله ؛ قال قال موسی ابن  
 عمران ؛ یارب ای الاعمال افضل عندك فقال حب الاطفال فان فطرتهم  
 علی توحیدی فان امتهم ادخلهم جنتی ترجمه صادق آل محمد ؛ میفرماید  
 موسی ؛ عرض کرد اے پروردگار کدام از اعمال افضل است نزد تو  
 فرمود دوست داشتن اطفال چون فطرت آنها بر توحید است اگر مردند داخل  
 میکنم آنها را در بهشت فی الوسائل - قال ؛ اکثروا من قبله اولادکم فان  
 لکم بكل قبله درجة فی الجنة مسیره خمس مائة عام ترجمه معصوم ؛  
 میفرماید بسیار بوسه کنید اولادهای خودتان را از برای شما است بهر بوسه  
 در بهشت درجه مقدار سیر پانصد سال فی الوسائل - عن ابی عبد الله ؛ قال

جاء رجل الى النبي ص فقال ما قبلت صبا لي قط فلما ولي قال رسول الله  
 هذا رجل عندي انه من اهل النار ترجمه جعفران محمد الصادق؛ میفرماید آمد شخصی  
 خدمت رسول اکرم ص عرض کرد تا کنون بوسه نزدم طفل خود مرا پس از اعراض  
 فرمود این شخص در نزد من از اهل آتش است  محبت و دوستی نسبت با اولاد طبیعت  
 هر حیوانی است این علقه و محبت در قلوب جمیع حیوانات انعام سبع طیور  
 موجود و راسخ است بحدیکه جانرا براسے حفظ آنها سپر تیر بلا می کنند  
 پس انسان که اشرف مخلوقات است و دارائے قوه مدرکة و حسن و قبحرا  
 عزیز است باید کاملا این صفت را دارا و ریشه این محبت در قلبش محکم  
 تر بوده باشد کسیکه در قلبش این محبت راهی نیافت و نسبت با اولاد اظهار  
 نفرت نمود میتوان گفت يك همچو آدمی از درجه انسانیت بلکه از  
 رتبه حیوانیت خارج و پست تر از حیوان است در محبت اولاد فوائده  
 و نتایجی است که در این ورقه گنجایش ذکر آن نیست لیکن بعضی  
 از آنها را بنحو اجمال تذکر میدهم یکی از وسائل سلامت و حفظ الصحه  
 اطفال مسرور و خوشحال نمودن آنها است چون اعضاء طفل در کمال لطافت  
 است عروق و خون اعصاب و قلب او قوی و محکم نشده مسرت دل و فرح  
 قلبی آن اعضاء را قوی نموده سکایه قوای اعمالیه او را تقویت میدهد  
 سریع النمو و قوی الجثه میشوند جریان خون در قلب و در کلیه اعضاء  
 با حالت حزن و غم خطر ناک آنها را مستعد براسے قبول امراض می نماید  
 محبت و دوستی از پدر و مادر بهترین وسیله ایست برای مسرور نمودن آنها  
 بهترین کمکی است برای صحت و سلامت آنها این است که شارع مقدس  
 امر نمود به بوسه و بازی کردن با آنها و اهتمام داد بدوستی و محبت داشتن  
 بانها . محبت با اولاد سبب ازدیاد محبت است بین زن و شوهر علقه با اولاد باعث

کثرت علقه است بین آنها آنچه نمایش محبت شود روابط دوستی بین آنها محکم تر گردد مخصوصاً محبت پدر کلبه زحمات مادر را از قبیل بیخوابی پرستاری ازالیه کثافات و امثال ذلک آسان و ملایم می نماید با کمال آرامی و مهربانی و شوق و محبت زحمات طفل را متحمل شده ابداً نفرت انزجار طبع باو دست نمیدهد این است که طفل را با مهربانی در آغوش و تربیت نموده و حفظ الصحه او را کاملاً مواظبت مینماید نداشتن محبت و اظهار نفرت پدر کار های طفل را نزد مادر ثقیل و با زحمت نموده با حال خشونت و زبری و عبوس و قبض صورت کار طفلرا کرده در تربیت و حفظ الصحه او بی موالات و بی قید بوده بمرک او راضی میشود چه بسیار اطفال از دست این نوع پدر و مادر ها تلف و جان سالم بدر نبرده اند. محبت با اولاد فرزند را نزد مردم محترم و معزز مینماید سایرین هم آنها را دوست داشته بانها مهربانی میکنند بعیش و شادمانی و مسرت زندگانی خواهند کرد پس این محبت باندازه خود نتیجه تشکیل جامعه و نالیف قلوب را میدهد جنک و خصومترا برطرف و زایل مینماید



## حفظ الصحة اطفال

في البحار - اعرف يا مفضل مالاطفال في البكاء من المنفعة واعلم ان في ادمغة الاطفال رطوبة ان بقيت فيها احدثت عليهم احدثاً جليلاً وعللاً عظيمة من ذهاب البصر وغيره فالبكاء يسيل تلك الرطوبة من رؤسهم فيعتبهم ذلك الصحة في ابدانهم و السلامة في ابصارهم اذ ليس قد جاز ان يكون الطفل ينتفع بالبكاء ووالداه لايعرفان ذلك فهما دائبان ليسكتانه و يتوخبان في الامور مرضاته لتلايبكي وهما لايعلمان ان البكاء اصلح له واجمل عاقبة فهكذا يجوز ان يكون في كثير من الاشياء منافع لايعرفها القائلون بالاهمال و لو عرفوا ذلك لم يقضوا على الشئ انه لا منفعة فيه من اجل انهم لا يعرفونه ولا يعلمون السبب فيه فان كل ما لا يعرفه المنكرون يعلمه العارفون وكثيراً مما يقصر عنه علم المخلوقين محيط به علم الخالق جل قدسه و علت كلمته فاما ما يسيل من افواه الاطفال من الريق ففي ذلك خروج الرطوبة التي لو بقيت في ابدانهم لحدثت عليهم الامور العظيمة كما ترى قد غلبت عليه الرطوبة فاخرجته الى حد البله والجنون والتخليط الى غير ذلك من الامراض المتلفة كالفالج و اللغوة وما اشبههما فجعل الله تلك الرطوبة تسيل من افواههم في صغرهم لئلا يهلكهم في ذلك من الصحة في كبرهم ففضل على خلقه بما جهلوه و نظر لهم بما لم يعرفوه و لو عرفوا نعمه عليهم لشغلهم ذلك عن التماذي في معصيته فسبحانه ما اجل نعمته واسبغها على المستحقين و غيرهم من خلقه و تعالى عما يقول المبطلون علواً كبيراً ترجمه جعفر بن محمد الصادق ؛ فرمود عارف شو ای مفضل منفعتی را که برای اطفال است در حال گریه بدان در سر اطفال رطوبتی است اگر باقی بماند در آن حادث میشود در اطفال بلای بزرگ از گورم چشم و غیره گریه خارج

میکنند آن رطوبت را از سرهای اطفال نتیجه میدهد صحت را در بدن سلامت را در چشم پس ممکن است گاهی طفل ارتفاع به برد از گریه و ملتفت نباشند پدر و مادر و جدیت دارند باسکات او و متوسل میشوند جهت خوشنودے او بامورے و حال اینکه نمیدانند گریه اصاح است برای او و نیکو است عاقبت او هم چنین ممکن است در بسیاری از اشیاء منافی باشد که پی نبرده اند آنها بعضی ها اگر بدانند این مطلب را حکم نمیگردند بر چیزی که نیست در او منفعت از جهة اینکه عارف نشدند بآن منفعت و عالم نشدند بآن سبب بجهت اینکه هر چیز را که عارف نشدند او را منکرین میدانند او را عارفین و بسیار چیزهائی است که عاجز است از درك آن علم مخلوقین محیط است باو علم خالق جل قدسه اما آب دهن که سبلان میکند از دهن های اطفال سبب خروج رطوبتی است که اگر بماند در بدنهای آنها حادث میشود امور بزرك مثل کسیکه غلبه میکند باو رطوبت و میکشانند او را باحمقی و جنون و امراض متلفه مثل قلعج و لغوه و شبه آنها پس خداوند خارج میکند این رطوبت را از دهنهای اطفال در کوچکی بجهت سلامتی آنها در حال بزرگی تفضل میکند بر خلقش به چیزهائیکه جاهلند او را نظر دارد به ایشان به چیزهائیکه معرفت ندارند او را اگر عارف شوند به نعمتهای الهی که عطا فرموده است بآنها هر آینه اصرار نمی کردند در معصیت او مقدس است خدا چقدر عظیم است نعمت او تکمیل نمود نعمت را بر مستحقین و غیره بالا تر است از آنچه میگویند باطل کنندگان



# اطفال را بدروغ و تقلب

## عادت ندهید

فی الوسائل - قال رسول الله ص احبوا الصبيان و ارحموا هم و اذا وعدتموهم شیئاً ففوالهم فانهم لا یرون الا انکم ترزقونهم ترجمه رسول اکرم ص میفرماید دوست بدارید کودکانها را و رحم کنید بآنها وقتیکه وعده دادید بآنها وفا کنید بوعده خودتان چون نمی بینند رزق خودشانرا مگر بدست شما

فی البحار - قال رسول الله ص اذا وعد احدکم صیبة فلینجز ترجمه رسول اکرم ص میفرماید وقتیکه وعده دادید به دختر پس بفعالیت برسانید او را

فی الوسائل - قال لی ابوالحسن؛ اذا وعدتم الصبيان ففوالهم فانهم یرون انکم الذین ترزقونهم ان الله عزوجل لیس یغضب لشیء کغضبه للنساء والصبيان ترجمه راوی میگوید معصوم؛ فرمود وقتیکه وعده میدهید به کودکانها وفا کنید بآنها چون می بینند شما را رازق خودشان خدای عزوجل غضب نمیکند از برائے چیزی مثل غضب نمودن سبب خاطر زنها و کودکانها و وعده دادن به اطفال و مخالفت نمودن سبب اذیت و تعلیم عملی است بگفتن دروغ راه دروغ و تقلب را یاد گرفته باو عادت میکنند مآل آنها برو سیاهی و شقاوت کشیده این است که معصوم؛ خلف وعده را نهی فرمود تشبیه از خبر سوم منتهی درجه تکریم نسوان و در توهین سخت ترین تهدید مستفاد میشود





# اسلام به تربیت اولاد اهمیت داده

فی الوسائل - قال النبی ص اکرمو اولادکم واحسنوا ادا بهم یغفر لکم  
ترجمه نبی اکرم ص میفرماید اکرام کنید اولاد خودتانرا و آداب نیک بیاموزید  
بآنها خداوند میامرزد شما را فی الوسائل - قال رسول الله ص علموا  
اولادکم السباحة و الرماية ترجمه رسول اکرم ص میفرماید تعلیم بدهید اولاد  
های خودتانرا شنای در آب و نیز اندازیرا فی الوسائل - جاء رجل الى  
النبی ص فقال یا رسول الله ما حق ابنی هذا قال تحسن اسمه و ادبه و وضعه  
موضعا حسنا ترجمه آمد شخصی خدمت رسول خدا ص عرض کرد چه چیز  
است حق پسرم فرمود نیکو بگذار اسم او را ادب کن او را بگذار او را موضع نیک  
فی الوسائل - قال رسول الله ص یلزم الوالدین من العقوق اولدهما ما  
یلزم الولد لهما من عقوقهما ترجمه رسول اکرم ص میفرماید عاق میشوند پدر و  
مادر از اولاد همانطوریکه عاق میشوند اولاد از پدر و مادر فی الوسائل -  
قال من حق الولد علی ولده ثلثة یحسن اسمه و یعلمه الكتابة و یروجه اذ بلغ  
ترجمه معصوم ؛ میفرماید حق اولاد بر پدر سه چیز است اسم نیک تعلیم  
نوشتن تزویج و قتیکه بالغ شد

## اطفال را باید زینت کرد

فی الوسائل - قال سئلت ابا عبد الله ؛ عن الذهب یحلی به الصبیان فقال  
کان علی یحلی ولده و نسائه بالذهب و الفضة ترجمه راوی میگوید سؤال  
کردم از معصوم ؛ از زینت کردن اطفال را بطلا فرمود علی ؛ زینت میکرد

فرزند و زنهایش را به طلا و نقره و تکره فی الوسائل - قال سئلت ابا عبد الله ،  
 عن الذهب و الفضة یحلی به الصبیان فقال انه کان ابی لیحلی ولده ونسائه  
 الذهب والفضة فلا بأس ترجمه راوی میگوید سؤال کردم از معصوم ، اطفال  
 به طلا و نقره زینت کرده بشوند فرمود عیب ندارد پدرم محمد ابن علی زینت  
 میکرد فرزند و زنهایش را به طلا و نقره فی الوسائل - قال سئلت ابا الحسن الرضا ،  
 عن التهنیه بالولد متی هی قال انه لما ولد الحسن ابن علی هبط جبرئیل علی  
 رسول الله فی الیوم السابع و امره ان یسمیه و ینکیه و یحلق راسه و یعقه  
 عنه و یثقب اذنه و كذلك حین ولد الحسین ، اتاه فی یوم السابع  
 فامرہ بمثل ذلک قال و کان لهما ذوابتان فی القرن الایسر و کان الثقب فی  
 الاذن الیمنی فی شحمة الاذن و فی الیسری فی اعلی الاذن فالقرط فی الیمنی  
 فالشرف فی الیسری ترجمه راوی میگوید سؤال کردم از حضرت رضا ، از تهنیه  
 به اولاد چه وقت است زمان او فرمود زمانیکه متولد شد حسن ابن علی ، نازل  
 شد جبرئیل به رسول خدا ص در روز هفتم تولد امر کرد حضرت را باسم  
 گذارے او و بکنیه و تراش سر و عقیقه و سوراخ کردن گوش هم چنین  
 زمانیکه متولد شد حسین ، نازل شد جبرئیل و امر کرد او را بمثل حسن ،  
 بعد فرمود از برائے حسن و حسین ، بود در ناصیه سر شقه از مو که کشیده  
 بود او را بطرف چپ و سوراخ بود نرمی گوش راست و سوراخ بود گوش  
 چپ از طرف بالا و او یخته بود بآنها گوشواره  مخفی و پوشیده نماباد که تزئین  
 اطفال نه منحصر است بطلا و نقره لباسهای نو و فاخر را هم شامل است فوائده  
 و محسنات زینت اطفال بنحو اختصار تند کرده میشود . اظهار نعمت الهی . خوشحالی  
 آنها از پدر و مادر . فرح و خوشحالی دل آنها . صحت مزاج و سلامتی بدن .  
 عادت نمودن به تزئین خود در حال بزرگی . محبوب شدن آنها در قلوب .

جلب طبیعت به صحبت نمودن با آنها ، عالم شدن آنها در صحبت و مکالمه قوی شدن استعداد از نمودن صحبت ، مقدس و محبوب شدن قوانین اسلامی نزد آنها ، حسن عاقبت ، دخول در جنت .

## دوره تکمیل بدست و یک است

فی الوسائل - قال النبی ص الولد سید سبع سنین و عبد سبع سنین و وزیر سبع سنین فان رضیت خلاته لاحدی و عشرين سنة والاضرب علی جنبیه فقد اعذرت الی الله ترجمه رسول اکرم ص میفرماید طفل آقا است تا هفت سال بنده است تا هفت سال وزیر است تا هفت سال پس اگر پسند شد طبیعت او تا بیست و یکسال فيها و الا زده شود به دو جنب او دیگر تو معذور هستی نزد خدا فی الوسائل - قال امیر المؤمنین ؛ یرف الصبی سبعا و یؤدب سبعا ویستخدم سبعا الحدیث ترجمه علی ؛ میفرماید ملاطفت و در آغوش کشیده شود طفل تا هفت سال مؤدب شود هفت سال استخدام شود هفت سال فی الوسائل - عن ابی عبد الله ؛ قال الفلام یلعب سبع سنین و یتعلم الکتاب سبع سنین و یتعلم الحلال و الحرام سبع سنین ترجمه صادق آل محمد ؛ میفرماید صبی بازی کند تا هفت سال یاد بگیرد خواندن کتاب را هفت سال یاد بگیرد حلال و حرام را هفت سال فی الوسائل - قال الصادق ؛ دع ابنک یلعب سبع سنین و یؤدب سبع سنین و الزمه نفسك سبع سنین فان افلح و الا فلا خیر فیه ترجمه حضرت صادق ؛ میفرماید او گذار کن بسرت را بازی کند هفت سال ادب کرده شود هفت سال همیشه ملازم باش او را به تعلیم تا هفت سال پس اگر رستگار شد فيها و الا نیست خبری در او ع چون طفل در زمان نمو و رشد است حال سکونت برای آنها بسیار مضر آنها را علیان و مریض مینماید صحت و سلامت آنها موقوف است بحرکت بقیام قعود دویدن بازی فریاد

حرکات طفل بهترین وسیله ایست برای استحکام مزاج و صحت مندی آنها  
 بهترین کمکی است برای سرعت نمو و محکم نمودن استخوان و گوشت بدن  
 اگر بدن قوی نشود قوای دماغی تقویت نکرده روح طبیباً کم ظرف و کم  
 استعداد گردد در زمان تحصیل از عهده انجام وظایف خود بصعوبت برمی آید  
 اطفال را بگذارید در مقابل حرکات طبیعی کسب استقامت نمایند بهر قسم شده  
 است اهتمام نمائید سخت جان و پر طاقت تربیت بشوند ورزش و بازی و  
 تفریح از قسمت های مستحسن دوره تحصیلات هر طفلی است البته اطفال را  
 تا هفت سال به بازی های بچه گانه که معمول کلیه ممالک دنیا است مشغول  
 نموده همین که پا به هشت سال گذاشت فوراً راه مدرسه را باو نشان داده  
 و در تعلیم آن مواظب باشید بعلاوه چون بحسب طبیعت در این زمان معشوق  
 و محبوب طفل حرکاتی است لهو و لعب این محبت او را کاملاً علاقه مند  
 به بازی نموده عشق مفرطی در ذات و کمون او میباشد جدا نمودن اطفال  
 را از آن معشوق فوق العاده بآنها صدمه می زند کسانی که اطفال را از سن دو سالگی بدست  
 لاله و مربی میدهند و اطفال را در تحت فشار آنها قرار داده و مانع میشوند از بروز عوالم  
 آنها و نمیکذارند آنها را که به معشوق و محبوب خود برسند خطا و ظلمی است بآنها  
 برای مریبان اطفال چنینی که لازم است فقط محافظت نمودن آنها است از مهالك و  
 مخاطر و ممانعت نمودن است از حرفهای لغو و کارهای قبیح ممانعت و جلوگیری از  
 عوالم طفل قطعاً در حال بزرگی آن مقصود بصورتی دیگر جلوه خواهد  
 کرد چون نسکین قلب او نشده و آن مطلوب در ذات او باقی مانده ممکن  
 است در حال بزرگی او را بلباس فسق و فجور نمایش دهد و از طریق  
 مستقیم منحرف گردد از این جهات است که شارع مقدس اطفال را در هفت

سال اول آزاد و امر نمود که بیازم مشغول بشوند نکته دیگر که از این اخبار مستفاد میشود عقیده سبایدون و دانشمندان دنیا در باره ترقیات هر مملکتی بدانش و علم اهالی آن مملکت است میزان ترقی و تنزل هر ملت را به قوت و ضعف علم دانسته‌اند و رسیدن رتبه بلند را جز بوسیله نردبان معارف ندانند و متفقند وقتی مملکت از نصیبت جهل رستگار میشود که ذائقه اش شیرینی علم را بچشد پس هر ملتی که در بزمنگه جهان دعوی حیات دارد باید در معارف با کمال سرعت سیر و نهایت تندے رو به نقطه ترقی حرکت کند و با اهتمامی سریع خود را بکاروان سعادت برساند این است که حضرت ختمی مرتبت ص و هکذا حضرات ائمه معصومین ۴ دوره تکمیل و ترقیات بشر را در ظرف بیست و یک سال قرار داد و مردم را در اینمدت زمان بدانش و معارف امر و دعوت فرمود پس بحکم قانون بر هر کس لازم و واجب است که تا این مدت خود را از جهل که ماده المواد همه مخاطرات و بدبختی ها است برهاند و از حسیض نادانی و جهل باوج معرفت و علم گشاییده با اسرع طریق خود را به سعادت ابدیه برساند

## اخبار از اسید کربونیک

فی الوسائل - عن ابی عبدالله ۴ قال الفهقهة من الشيطان ترجمه معصوم ۴ میفرماید خندیدن با صوت از شیطان است فی الوسائل - عن ابی عبدالله ۴ قال ضحك المؤمن تبسم ترجمه معصوم فرمود خنده مؤمن تبسم است علاوه بر اینکه خنده با صدا خسار ج است از انسانیت و ادب موهبون است صاحب او ممکن است از جهة نسبت دادن او را بشیطان نکنه دیگری هم در نظر داشته چون لازمه فیهقه خارج شدن نفس است با سرعت ممکن است

بواسطه خروج این نحو بخار که موسوم است باسید کر بونیک فضا را پر کرده به ملاحظه سمیتی که در اوست تنفس او مضر و تولید بعضی امراض بنماید ز اینجهت است که اکیداً غدغن از او شده بخلاف تبسم که خنده ایست ملایم فقط سبب ظاهر شدن دندانها است موافق است با ادب ممدوح است صاحب او .

## معالجه ضعف بدن

فی الوسائل - قال رسول الله ص شكی نبی قبلی الى الله الضعف فی بدنه فاوحى الله اليه ان اطبخ اللحم واللبن فانی جعلت القوة والبركة فیها ترجمه رسول اکرم ص میفرماید شکایت کرد پیغمبرمے بخدا از ضعف بدن وحی کرد با که طبخ کن گوشت را با شیر قرار دادم قوت و برکت را در آن

فی الوسائل - قال رسول الله ص علیکم باللحم فان اللحم ینمی اللحم و من مضی به اربعون صباحاً لم یاكل اللحم ساء خلقه و من ساء خلقه فاطعموه اللحم الحدیث ترجمه رسول اکرم ص میفرماید بخورید گوشت را گوشت نمو می دهد گوشت بدن را کسی که بگذرد براو چهل روز و نخورد گوشت را بدمشود خلق او کسیکه بدشد خلق او بخوراند او را گوشت

فی الوسائل - قال امیر المؤمنین ؑ اذا ضعف المسلم فلیاكل اللحم باللبن ترجمه علی علیه السلام میفرماید اگر ضعیف و کم بنیهد مسلم بخورد گوشت را با شیر

فی الوسائل - عن علی علیه السلام قال ان نبیاً من الانبیاء شكی الى الله الضعف فی اعته فامرهم ان یاكل اللحم باللبن فاستبانت القوة فی انفسهم ترجمه علی علیه السلام می فرماید شکایت کرد پیغمبری بخدا از ضعف امت امر کرد خدا که بخورند گوشت را با شیر پس ظاهر شد قوت در نفوسشان

فی الوسائل - عن ابی عبد الله ؑ قال اللحم باليمن مرق الانبياء  
معصوم ؑ می فرماید گوشت با شیر آب گوشت انبیاء است فی الوسائل - عن  
ابی عبد الله ؑ قال اللحم ینبت اللحم و من تركه اياماً فسد عقله  
ترجمہ جعفر ابن محمد الصادق ؑ می فرماید گوشت می رویاند گوشت  
بدن را کسی کہ ترک کند چند روزے خوردن گوشت را فاسد  
می شود عقل او

## ترحم بامحل

فی البحار - من کلام السائق ؑ قال انی لا رحم ثلثة و حق لهم  
ان یرحموا عزیز اصابتہ مذلة بعد العز و غنی اصابتہ حاجة بعد الغنی و  
عالم یتخف به اهله و الجهالة ترجمہ حضرت صادق ؑ می فرماید ترحم  
می کنم سه طائفه را و سزاوار است کہ ترحم کرده شوند . عزیزیکه ذلیل  
شده است بعد از عزت . مالداری کہ فقیر شده است بعد از غنی . دانشمندیکه استخفاف  
میکند اورا اعلیٰ و نادانها

## انصاف و مردانگی

فی البحار من کلام الصادق ؑ المروة مروان مروة الحضر و  
مروة السفر فاما مروة الحضر فتلاوة القرآن و حضور المساجد و صحبة  
اهل الخیر و النظر فی التقیه و اما مروة السفر فبذل الزاد و المزاح  
فی غیر ما یسخط الله و قلة الخلاق علی من صحبتك و ترك الراوية  
عليهم اذا انت فارقتهم ترجمہ حضرت صادق ؑ میفرماید مروت دو قسم  
است مروت حضر و مروت سفر مروت حضر . تلاوت قرآن . حضور در  
مساجد . صحبت بیکان . نظر تقوی . مروت سفر . بذل زاد . مزاح کہ  
نباشد در او غضب خدا . مخالفت نہ نمودن با رفیق حتی المقدور . ترک مذمت  
آن ها وقت مفارقت

## تانس

فی البحار من کلام الصادق، الانس فی ائمة فی الزوجة الموافقة  
و الولد البار و الصديق المصافی ترجمه معصوم ؛ می فرماید تانس در  
سه طائفه است . در زن موافق با طبع . در اولاد نیک . در رفیق خالص  
بی غش

## قوه الکتریسه در حال نطق یا قوه دفاعیه

### از برق

فی الوسائل عن ابی عبدالله قال یموت المؤمن بكل هیة الا الصاعقة لاتأخذه  
و هو یدکر الله عز وجل ترجمه صادق آل محمد ؛ می فرماید می  
میرد مؤمن بهر مردنی مگر از صاعقه نمی گیرد و در حالیکه مشغول باشد بذكر خدا  
فی الوسائل - قال سئلت ابا عبدالله عن هیة المؤمن قال یموت المؤمن  
بكل هیة یموت غرقاً و یموت بالهدم و یموت بالسبع و یموت بالصاعقة  
و لا تصیب ذاکراً لله عز وجل ترجمه راوے می گوید سئوال کردم  
از جعفر ابن محمد الصادق ؛ از مردن مؤمن فرمود میمیرد مؤمن بهر  
سببی میمیرد بسبب غرق میمیرد بسبب خراب شدن چیزی وی او مبتلی  
می شود بدرنده می میرد به صاعقه لیکن نمی رسد صاعقه او را در حال  
مشغول بودن او بذكر خدا فی الوسائل - قال الصادق ؛ ان الصاعقة لا  
تصیب ذاکراً لله عز وجل ترجمه معصومه ؛ میفرماید صاعقه نمی رسد بکسی  
که مشغول باشد بذكر خدا فی الوسائل - قال ابو عبدالله ان الصاعقة  
تصیب المؤمن و الکافر و لا تصیب ذاکراً ترجمه صادق آل محمد ؛



میفرماید صاعقه میرسد مؤمن و کافر را و نمی رسد ذکر گور را بجانب به نحو کلی هر تغییر بزرگی که در طبیعت ماده بظهور برسد باعث احداث الکتریسه میگردد و او را قوه آن نامند مثل نطق و تکلم نسبت به بدن مثل آن قوه است فشار و تغییراتی در بدن میدهد خون را بجزریان می اندازد اصطکاکاتی در بدن ایجاد میکند این است که در بدن تولید الکتریسه میشود و بدن را نور افشانی میکند لذا بدن در حال نطق گرم شده و عرق از او خارج میشود مطلب مهم این است اینکه معصوم و فرمود صاعقه نمیرسد ذکر گور را چه قوه ایست که جلو گیر است از قوه برقیه کشف این حقیقت را باید انتظار داشت وای چون برای هر چیزی بحسب طبیعت درجات و مراتبی است ممکن این قوه را در بدن قوی و تکمیل نموده امور معظمه از او بظهور و نور افشانی او در بدن دیده شود قلم اینجا رسید سر بشکست

## اسلام امر بکوتاهی لباس فرموده

فی الوسائل - قال علی علیه السلام تشمیر الثیاب طهور لها قال الله تعالی و ثیابک فطهر ای فشمیر ترجمه علی علیه السلام می فرماید کوتاه بودن لباس سبب پاکیزگی او است خداوند متعال فرمود به پیغمبر لباس را تطهیر کن یعنی کوتاه کن فی الوسائل - قال الروی کنت عند ابی جعفر ع اذ دخل ابو عبد الله ع فقال ابو جعفر یا بنی الا تطهر قمیصک فذهب فظننا ان ثوبه قد اصابه شیئی فرجع فقال انهن هکذا فقلنا جعلنا فداک ما لقمیصه قال کان قمیصه طویلا فامرته ان یقصره ان الله عز وجل یقول و ثیابک فطهر ترجمه راوی میگوید خدمت محمد ابن علی الباقر ع بودم وارد شد فرزندش جعفر ابن محمد ع باو فرمود ای فرزند ایا تطهیر نمی کنی

لباست را پس تشریف بردند کمان کردم کشفی لباس او رسیده بعد از مراجعت حضرت فرمود این است اندازه لباس عرض کردم فدای تو شوم چه شده بود لباس ایشان فرمود لباس او بلند بود امر کردم او را بکوتاه کردن لباس خداوند متعال به پیغمبرش فرمود کوتاه کن لباس را

فی الوسائل - عن ابی عبدالله ؑ فی قوله تعالی و ثیابک فطهر قال معناه ثیابک فتعصم ترجمه جعفر ابن محمد الصادق در تفسیر آیه شریفه و ثیابک فطهر می فرماید این است معنی او کوتاه کن لباس را فی الوسائل - قال ابوالحسن ؑ ان الله عزوجل قال لنبیه و ثیابک فطهر و کانت ثیابا به طاهره و انما امر بالتشمیر ترجمه معصوم ؑ می فرماید خداوند متعال امر فرمود پیغمبرش را به تطهیر ثوب و حال این که لباسهای حضرت پاک و پاکیزه بود مراد این است که مامور شد بکوتاه نمودن لباس فی الوسائل - عن ابی الحسن ؑ قال لک من عرفهن لم يدعهن جزالشعر و تشمیر الثوب و نکاح الاعماء ترجمه معصوم ؑ می فرماید سه چیز است اگر کسی عارف شد بمحسّنات او ابداً و گذار نخواهد کرد آنها را از ازاله مو از بدن و کوتاه گرفتن لباس و نکاح کنیز علیه السلام حضرت ختمی مرتبت و هکذا حضرات ائمه معصومین؛ به پوشیدن لباس کوتاه مامور و او را به بشر تعلیم دادند فیوائد کوناهی لباس زرنگی و چالاکی است در کار و شغل باعث نشاط است در نفس سبب پاکیزه گی است از کثافات و گل و غبار زمین این است که در آیه شریفه کوناهی لباس را به تطهیر ثوب تعبیر و اشاره فرمود قانون گذار اسلام نه فقط نظافت و پاکیزه گی لباس را نظر داشته بلکه پاک امر اقتصادے را نیز عتب آن ملحوظ نموده که امروزه او را مهم ترین وسیله زندگانی میدانند

## اسلام بکثرت لباس امر فرموده

فی الوسائل - قال قلت لابی عبد الله، یكون للمؤمن عشرة اقمصة قال نعم قلت عشرون قال نعم قلت ثلاثون قال نعم لیس هذا من السرف انما السرف ان تجعل ثوب صونك ثوب بذلتك ترجمه راوے می گوید سئوال کردم از جعفر ابن محمد الصادق، مؤمن می تواند ده پیراهن جهت خود تهیه کند فرمود بله عرض کردم بیست پیراهن فرمود بله عرض کردم سی پیراهن فرمود بله اسراف نیست اسراف اینست صنفه انسان لباسی را که جهت حفظ آبرو و شئونات خود تهیه کرده است در کارهای پست استعمال و او را کهنه و ضایع کند فی الوسائل - عن ابی عبد الله، قال سألته عن الرجل الموسر يتخذ الثياب الكثيرة الجياد و الطيالة و القمص الكثيرة يصون بعضها بعضا يتجمل بها ایكون مسرفا قال لا لان الله عز وجل يقول لينفق ذو سعة من سعته ترجمه راوے می گوید سئوال کردم از صادق آل محمد، از آدم متمولیکه تهیه میکند جهت خود لباس بسیارے را که نو و فاخر هستند و لباسهای اعیان و متشخصین و پیراهن های بسیار که حفظ آبرو و شئونات خود کنند از پوشیدن آنها و اظهار جمال و تشخص کنند بواسطه آنها آیا میباشد اسراف فرمود اسراف نیست خداوند متعال می فرماید باید انفاق و خرج کند صاحب مکننت از ثروت خودش فی الوسائل - قال سألته ابا عبد الله، عن الرجل یكون له عشرة اقمصة یراوح بینها قال لا باس ترجمه راوے می گوید سئوال کردم از صادق آل محمد، از مردیکه از برای او است ده پیراهن که بنوبت می پوشد آنها را فرمود عیب ندارد فی الوسائل - عن ابی عبد الله، قال لا باس ان یكون للرجل عشرون قمیصا ترجمه جعفر ابن محمد الصادق، می فرماید باکی نیست از برای

مرد اینکه داشته باشد بیست پیراهن یکی از اصول مهمه حفظ الصحه و زنده گانی خوش کثرت لباس و زود عوض نمودن او است مختصری از فوائد او ذکر می شود . حفظ الصحه . کثرت عقل . التذاد و فرح انسان از تجدید لباس . زینت جهة حلیاه خود و التذاد و فرح او . زینت جهة برادران دینی . - مضار ادامه دريك لباس . متعفن شدن لباس از بخارات و عرق بدن . تولید جانور در بدن و اذیت نمودن آن ها . تنفس نمودن عفونت و صدمه آن . تهاجم مگس و پشه به بدن . بی میلی بخوردن غذا . ضعف و لاغر می . سوء اخلاق حزن و غم . قلت عقل و استعداد . صدمه عیال و فرزندان . تنفر جلسا و برادران دینی . مسمومیه خون . عارض شدن مرض

## پوشیدن چکمه را اسلام فرموده

فی الوسائل - عن ابی جعفر ؑ قال لبس الخف یزید فی قوة البصر ترجمه محمد ابن علی الباقر ؑ میفرماید پوشیدن چکمه تقویت میدهد نور چشم را فی الوسائل - قال ابو جعفر ؑ لبس الخف امان من السل ترجمه محمد ابن علی الباقر ؑ میفرماید پوشیدن چکمه امانست از مرض سل فی الوسائل - عن ابی عبد الله ؑ قال امان لبس الخف امان من السل ترجمه معصوم ؑ میفرماید مداومت به پوشیدن چکمه ایمنی است از مرض سل فی الوسائل - عن ابی عبد الله ؑ قال امان الخف نفی هیمة السل ترجمه حضرت صادق ؑ میفرماید همیشه پوشیدن چکمه نفی میکند مردنی را که بوده باشد از جهت سل فی الوسائل - عن ابی عبد الله ؑ قال امان لبس الخف امان من الجذام قال قلت فی الشتاء ام فی الصيف قال شتاء کان اوصیفاً ترجمه صادق آل محمد ؑ میفرماید مداومت به پوشیدن چکمه ایمنی است از مرض جذام راوی میگوید عرض کردم در تابستان یا در زمستان فرمود چه در زمستان و چه در تابستان

فی الوسائل — عن ابی عبد الله ؑ قال ان علیاً کان یلبس الخف فی السفر ترجمه معصوم : میفرماید علی ؑ در سفر می پوشیدند چکمه را فی الوسائل - قال خرجت مع ابی عبد الله ؑ الی ینبع فلما خرجت رایت علیه خفاً احمر فقلت له جعلت فداک انها لخف الاحمر الذی اراه عليك فتال خف اتخذته للسفر و هو ابقى علی الطین و المطر و احمل له قلت فاتخذها و البسها فتال اما فی السفر فنعیم و اما فی الحضر فلا تعد لن بالسوداء شیئاً ترجمه راوی میگوید همسفر شمیم با جعفر ابن محمد الصادق ؑ دیدم پوشیده است چکمه قرمز را عرض کردم فدای تو شوم چکمه قرمز پوشیده ای فرمود تهیه کردم او را جهت سفر چکمه قرمز محکم تراست از جهت گل و باران عرض کردم من هم بگیرم و به پوشم فرمود اما در سفر بله و اما در حضر تجاوز نشود از رنگ سیاه  بانفاق همه دکتراها و اطبای دنیا حفظ پا و گرم نگه داشتن آن عمده از مرضها را جلوگیری است و قسمتی از مرضهای مهمه را به پوشانیدن پا و حفظ آن مداوا میکنند این است که مواظبت کنند که حفظ الصحه ادامه به پوشیدن پوسین و کفش داده حتی المقدور از پای بیرون نمی آورند و حضرات ائمه معصومین ؑ هزار سال کسری قبل خبر از این حفظ الصحه داده فرمودند پوشیدن چکمه چه در زمستان و چه در تابستان انسان را از مرض سل و جذام محافظت نموده و زیاد میکند نور چشم را



## مہم بودن لباس سفید در اسلام

فی الوسائل - قال رسول الله ص البسوا البياض فانه اطهر و كفو فيه موتاكم  
ترجمہ رسول اکرم ص میفرماید بہ پوشید لباس سفید را چون با کبزه و طاہر  
تر است و کفن کنید در او مردہ ہا را فی الوسائل - قال النبی ص لبس  
من ثيابکم شی احسن من البياض فالبسوه و كفوا فيه موتاكم ترجمہ نبی  
اکرم ص میفرماید نیست از لباسہائے شمارنگی بہتر از سفید پس بہ پوشید اورا و  
کفن کنید در او مردہ ہا را فی الوسائل - عن النبی ص قال خير ثيابکم  
البياض فيلبسوا احياکم و كفنوا فيه موتاكم ترجمہ نبی اکرم ص میفرماید  
بہترین لباسہائے شما سفید است پس بہ پوشید اورا زندہ ہائے شما و کفن  
کنید در او مردہ ہا را فی الوسائل - كان رسول الله ص يكره السواد  
الا في ثلث الخف و العمامة و الكساء ترجمہ رسول اکرم ص کراہت داشت  
از پوشیدن لباس سیاہ مگر در سہ چیز چکمہ و عمامہ و عباہ فی الوسائل -

قال امير المؤمنين؛ فيما علم اصحابه لاتبسوا السواد فانه لباس فرعون  
ترجمہ علی ؑ در جزء تعلیمات اصحاب میفرمود نہ پوشید لباس سیاہ را او  
است لباس فرعون فی الوسائل - عن صفوان الجمال قال حملت ابا عبد الله  
الحملة الثانية الى الكوفة و ابو جعفر المنصور بها فلما اشرف على الهاشمية  
مدينة ابي جعفر اخرج رجلاه من غرض الرحل ثم نزل فدعا به بغلة شهباء  
ولبس ثياباً بيضاء و كمة بيضاء فلما دخل عليه قال ابي جعفر او تشبهت  
بالانبياء فقال له ابو عبد الله عليه السلام و انى يبعد نى من ابناء الانبياء  
ترجمہ راوی میگوید حرکت دائم جعفر ابن محمد الصادق ؑ را در سفر دوم  
بکوفہ وقتیکہ نزدیک شد ہاشمیہ پیادہ شد از مرکب و سوار شد بہ قاطر  
و پوشید لباس سفید و کلاه سفید را وارد شد بر منصور بحضورت عرض

کرد شبیه کرده خود را بانبیاء فرمود چه دور نموده است مرا از فرزندان انبیاء ﷺ اسلام منتهی درجه تمیزی و پاکیزه‌گی را به بشر تعلیم داده و او را بلباس سفید که نمایش دهنده کثافات و جرک‌ها است امر فرمود چون کثافات وارده بر آن فوریت معلوم این است که انسان او را عرض یا شست و شو داده برعکس لباس سیاه رنگ آن مانع است از ظهور کثافات و معلوم انسان نخواهد شد علاوه پوشیدن لباس سفید بملاحظه منظره چشم باعث روشنایی قلب و فرح او است پوشیدن لباس سیاه باعث تیره‌گی قلب و حزن او است و امروزه هم بازچه‌های سفید که موسوم است براك کرم رو بازدياد و فوق العاده مورد توجه و باو اقبال نموده اند

## اهمیت زینت در اسلام

فی الوسائل - عن النبی ص انه کان ينظر فی المرآة و یرجل جمته و یتمشط و ربما نظر فی الماء و سوی جمته فيه و لقد کان یتجمل لاصحابه فضلا علی تجمله لاهله و قال ان الله یحب من عبده اذا خرج الی اخوانه ان یتهبأ لهم و یتجمل ترجمه پیغمبر اکرم ص نظر میکرد در آینه و شانه میکرد موی سر را چه بسا اوقات نظر میکرد در آب و تسویه می نمود موی سر را و زینت میکرد برائے اصحاب علاوه بر آن زینت هائیکه برائے اهلس میکرد میفرمود خدا دوست دارد از بنده کانش کسانی را که بیروند بسوی برادران خودشان آهیه به بینند برای آنها و زینت کنند خودشانرا فی الوسائل - قال امیر المؤمنین ، لیتزین احدکم لآخیه المسلم كما یتزین للغریب الذی یحب ان یراه فی احسن الهیة ترجمه علی ، میفرماید باید زینت بکنید شما از برائے برادر مسلم همین طوریکه زینت میکنید برائے آدم غریب که دوست دارید به بینند شما را در نیکوتر هیئتی فی الوسائل - قال امیر المؤمنین ،

ان الله جميل يحب الجمال و يحب ان يرى اثر نعمه على عبده ترجمه  
 علی ء میفرماید خدا جمیل است دوست دارد زینت را دوست دارد به بیند  
 اثر نعمت را بر بنده فی الوسائل - قال ابو عبد الله ء انی لا کره  
 للرجل ان يكون عليه من الله نعمة فلا يظهرها ترجمه جعفر ابن محمد الصادق ء  
 میفرماید بدم می آید از مردیکه دارای نعمت باشد و او را اظهار نکند  
 فی الوسائل - عن ابی عبدالله ء قال ان الله عزوجل يحب الجمال والتجمل  
 و يبغض البؤس والتبأس ترجمه معصوم ء میفرماید خداوند متعال دوست  
 دارد جمال و زینت را دشمن دارد اظهار فقر و پریشانی را فی الوسائل -  
 عن ابی عبد الله ء قال اذا انعم الله على عبد بنعمة احب ان يراها عليه  
 لانه جميل يحب الجمال ترجمه صادق آل محمد ء میفرماید نعمتیرا که  
 خداوند به بنده عطا فرمود دوست دارد به بیند او را چون اوست جمیل دوست  
 دارد جمال را فی الوسائل - عن ابی عبد الله ء قال البس وتجمل فان الله  
 جميل يحب الجمال وليكن من حلال ترجمه معصوم ء میفرماید لباس به پوش  
 و زینت کن خود را خداوند جمیل است دوست دارد زینت را و باید باشد از حلال  
 فی الوسائل - قال الصادق ء ان الله يحب الجمال والتجمل و يبغض البؤس  
 والتبأس فان الله اذا انعم على عبده بنعمة احب ان يرى عليه اثرها قال  
 قيل كيف ذلك قال يتنظف ثوبه و يطيب ريحه و يخصص داره و يكتسب  
 افيئته حتى ان السراج قبل مغيب الشمس ينقى الفقر و يزيد في الرزق  
 ترجمه صادق آل محمد ء میفرماید خداوند متعال دوست دارد جمال و  
 زینت را دشمن دارد اظهار فقر و پریشانی را اگر خدا عطا کرد نعمتی را  
 دوست دارد اینکه به بیند اثر نعمت را بر بنده اش سؤال کرده شد از حضرت  
 چیست اظهار نعمت فرمود نظافت لباس استعمال عطر و کسج نمودن عمارت و  
 جاروب کردن درب منزل تا اینکه فرمود روشن کردن چراغ پیش از



غروب آفتاب می برد فقر را و زیاد میکند رو زبیرا فی الوسائل - قال ابو عبدالله ؑ لعید ابن زیاد اظهار النعمة احب الى الله من صیانتها فایاک ان تزین الا فی احسن ذی قومک قال فما رؤی عید الا فی احسن ذی قومه حتی مات ترجمه صادق آل محمد ؑ به عید ابن زیاد فرمود اظهار نمودن نعمت محبوب تر است نزد خدا از حفظ او زینت کردن خود را به نیکوترین زینتهای قومت پس دیده نشد عید مگر در نیکوترین زینت های قومش تا زمانیکه مرد

فی الوسائل - عن ابی عبد الله ؑ قال اذا انعم الله علی عبده بنعمة فظهرت علیه سمی حبيب الله محدث بنعمة الله و اذا انعم الله علی عبد بنعمة فلم یظهر علیه سمی بغیض الله مکذب بنعمة الله ترجمه صادق آل محمد ؑ می فرماید وقتی که خداوند نعمت داد به بنده اش پس ظاهر کرد او را نامیده میشود حبيب الله و حدیث کنندند نعمت او و اگر داد نعمتی را و اظهار نکرد او را نامیده میشود بغیض الله و تکذیب کنندند نعمت او و خداوند متعال مخلوقی شریف و کاملتر از آدمی ایجاد فرموده معجونی است که عقول از درک آن سرنجیر بزیر افکنده قادر متعال در باره او فرمود قَبَارِكُ اللهُ أَحْسَنُ الْخَالِقِينَ و از برای او وظائف و دستورائی مقرر فرمود که توسط آن خود را بمراتب و مدارج عالی بکشانند فرمود قد افلح من زکیها انسان کسی است که خود را بصفات حمیده و ملکات پسندیده زینت دهد و مساوی اخلاق را از خود دور نماید و الا مصداق کالانعام بل هم اضل خواهد شد و بوادی ضلالت و کمراهی خواهد رسید در مقام دیگر فرمود دوست ندارم بنده را که بتجمل و زینت ظاهر خود و قری ندهد دشمن دارم او را دور است از رحمت من او است نزد من کاذب نوشته می شود